

گرفتن دارو




 Espen Stranger-Johannessen

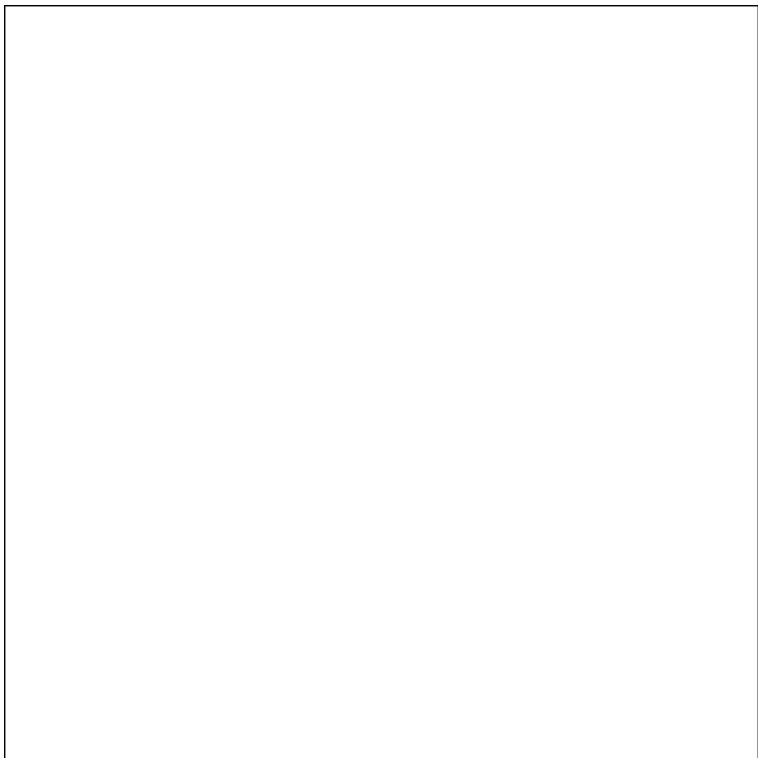
 Sara Rumen Krotev

 Sam Saf

 2

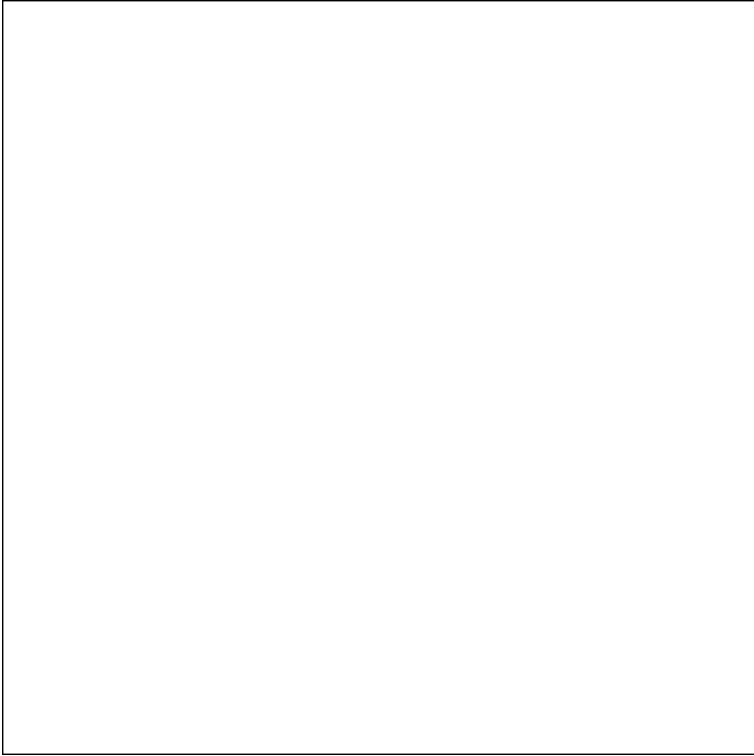
 فارسی fa

لام دندان درد داره. دندونش خیلی درد میکنه.

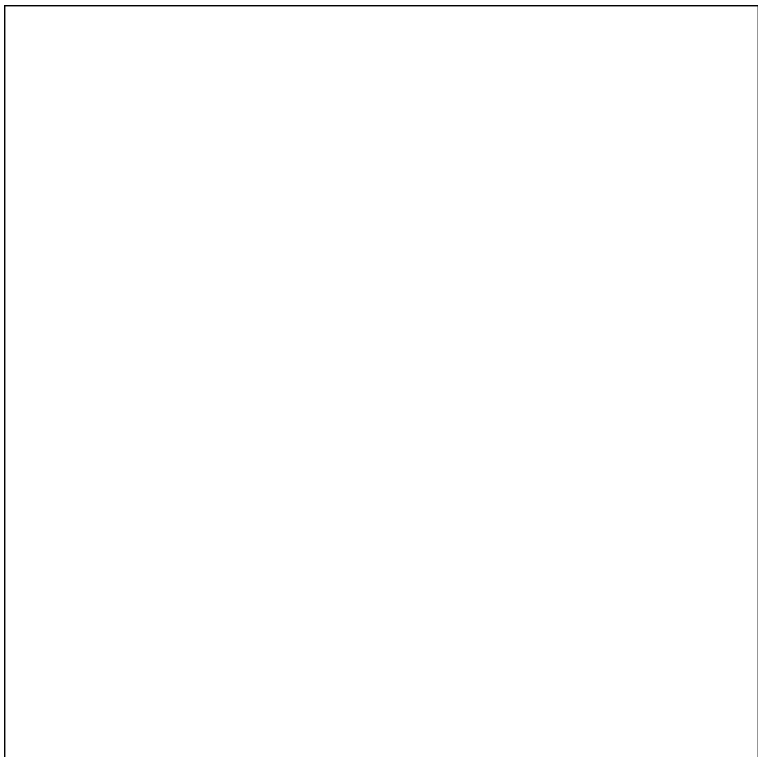


اون بید به دندانپزشکش مراجعه کنه، اه اول به چیزی برای
تسکین دردش احتیاج داره.

اون به نزدیکترین داروخانه می ره.

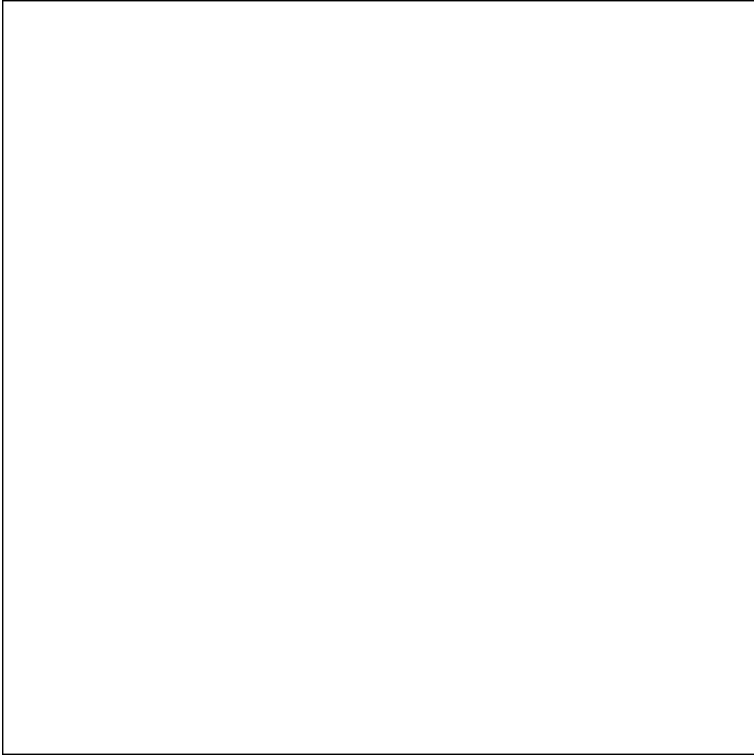


می گه: «من دندون درد دارم.» «براش چیزی دارین؟»

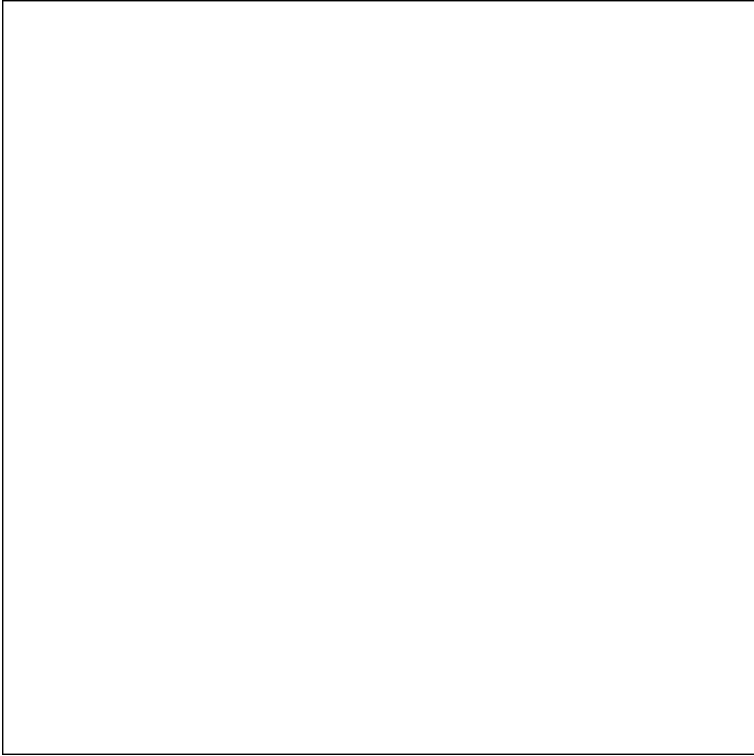


«بله، این ه چندتا مسکن هستند. برای اینها نیز به نسخه
ندارین.»

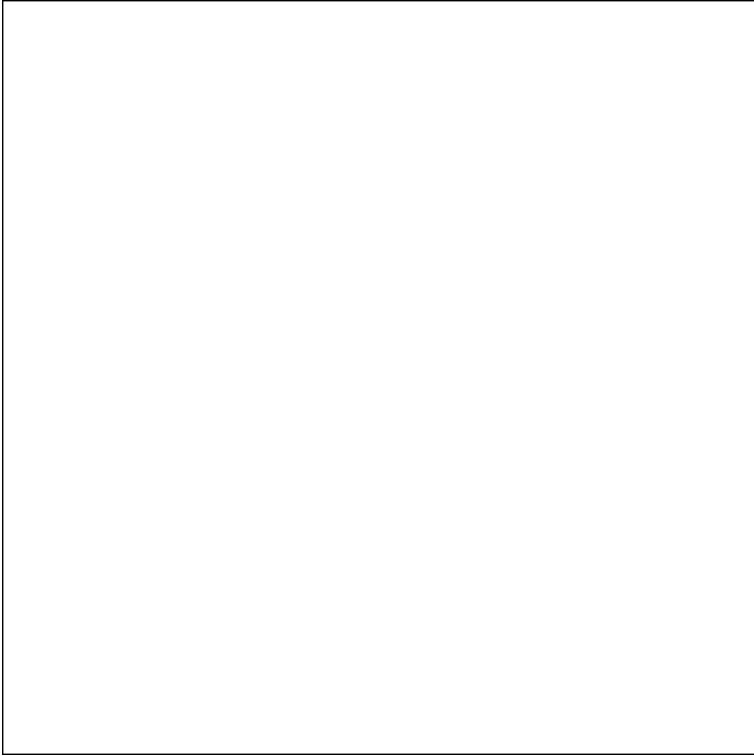
«ممنون. چقدر همیشه؟»



«قیمتشون نه یورو هستش. اه شهید برید پیش یه
دندونپزشک.»

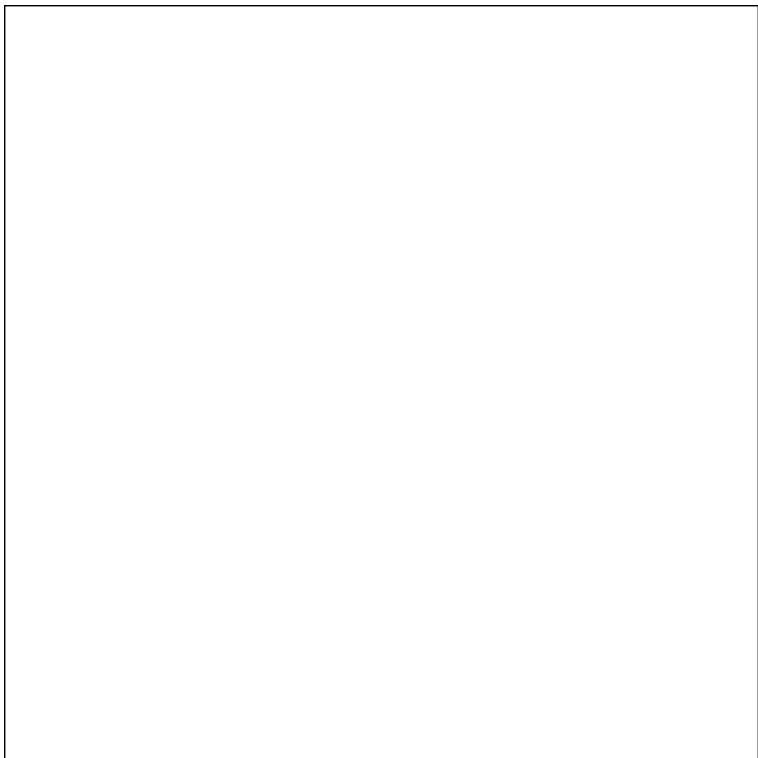


«بشه، فردا صبح دندونپزشکم تھس ميگيرم.»



«اگر به داروی قوی تری نیز دارید، باید از دندونپزشک بچاکترتون
نسخه بگیرین.»

«ممنون! خدا حفظ.»








LIDA Stories

lidastories.net

گرفتن دارو

-  Espen Stranger-Johannessen
-  Sara Rumen Krotev
-  Sam Saf

